



پرونده

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۳ ■ اردیبهشت ۱۴۰۰

نوجوان
مهر



زهرا قربانی



پژوهش
محمد طائب



با تشکر از
مریم امام

صفحه‌های مجازی را که بالا و پایین می‌کنم، تصاویر چهره‌های آشنا که بار و بندیشان را بسته و رفته‌اند آن سوی دنیا برای هواداران داخلی و خارجی شان تصویر پر کنند جلوی چشمم رژه می‌رود. میان همه گزینه‌ها، کسی که با سریال پدر شناخته شد اما حالا دارد پدر خودش را هم انکار می‌کند، بیشتر از همه نظرم را جلب می‌کند. البته او پیش از مهاجرت گفته بود خانواده‌اش را بخشیده و امیدوار است آنها هم او را بپذیرند. اما حالا چه شده که مدعی است از آنها متنفر است و اصلاً برایشان اهمیت قائل نیست و مسخره‌شان هم می‌کند؟ شاید جمله‌ای است که او در پایان استوری‌اش آورده: «به پایان رسیدن سناریوی احترام به خانواده»، نقشه‌ای که یک سرکوبگرش به این بازیگر وصل می‌شود و اتفاقات پشت پرده آن دست به دست هم داده تا تک هیچ‌کس درباره موضوعی به این مهمی نگزد. یک سناریوی عجیب برای تخریب خانواده که تنها به این خانم ختم نمی‌شود.



مشک
جایش
خانوا
بایک
زندگی
تقریب
انسا
نقش
شده
می‌ش
خانوا
می‌ده
تنها از
بزنیید

هرچه بیشتر در باتلاق ابعاد این موضوع مهم فرو می‌رویم، بیشتر مخمان سوت می‌کشد. نشسته ایم و صفحه خانمی را نگاه می‌کنیم که به محتوای نامناسب در فضای مجازی معروف است و از دنبال کنندگان عمدتاً نوجوانش می‌خواهد چالش‌های عجیب و غریبی را مقابل خانواده‌هایشان اجرا کنند و از واکنش‌های آنها برایش فیلم بفرستند. مثلاً بهترین نمونه قابل انتشارش این است که نوجوان جلوی پدر و مادرش سیگار روشن می‌کند و از تعجب و عصبانیت آنها فیلم می‌گیرد و منتشر می‌کند. چیزی که نتیجه‌اش می‌شود عادی شدن این بی‌احترامی‌ها برای نوجوانان و حتی خود والدین. نمی‌دانم وقتی با مریم، این فیلم‌ها را تماشا می‌کنیم باید بخندیم یا اشکمان درآید! اما سرچشمه اصلی این داستان پررمز و راز، یعنی بی‌احترامی به خانواده را باید در جای دیگری پیدا کرد.



برای بررسی بیشتر بد نبود سری به یوتیوب بزнім تا از محتواهای مشابه در شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای هم بی‌نصیب نمایم. برنامه‌ها و سریال‌هایی که در این شبکه‌ها تولید شده‌اند، با دست گذاشتن روی خطوط قرمز اخلاقی مثل روابط نامشروع، خیانت و علاقه‌مند کردن نوجوانان به زندگی مجردی و آزادی‌های بی‌حد و مرز سعی کرده‌اند تا جای ممکن پیوندهای خانوادگی را کمرنگ کنند. تا جایی که حتی مجری یکی از همین برنامه‌ها می‌گفت اگر والدین به جای تعصب و محدودیت، صداقت را جایگزین کنند دخترانشان مثل دختران انگلیسی یاد می‌گیرند ارزش خودشان را بدانند. هر چند آمارها از افزایش چهاربرابری تولد کودکان نامشروع و آزارهای جنسی در این کشور، چندان حرف‌های این مجری را تایید نمی‌کند. از طرفی موضوع صحبت یکی دیگر از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای این بود که حالا مفهوم خانواده به کلی تغییر کرده و می‌توان یک زن و فرزندش را هم خانواده دانست یا حتی یک مرد با سگش را. اما این نوع رویکردها از کجا خط می‌گیرند؟



بد نیست سری بزнім به آرشیو کتابخانه‌ها و دنبال کتاب‌هایی درباره خانواده از نگاه غرب بگردیم. در غرب سال‌هاست تعریف خانواده به عنوان زن و مردی که زندگی مشترکشان را به صورت قانونی و شرعی آغاز می‌کنند، دیگر تنها تعریف موجود از خانواده نیست. تصویب قوانین بی‌سابقه‌ای در به رسمیت شناختن انحرافات جنسی و حتی تحمیل این مساله به سایر کشورها، شاهد همین حرف است. این‌طور گفته می‌شود که در فرهنگ غربی حتی اگر خانواده‌ای تشکیل شود هم، فرزندآوری به هیچ عنوان وظیفه اصلی و مقدس شمرده نمی‌شود. از طرفی ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، تمایل به فست‌فود به جای غذای خانگی و امثال اینها همه ابزاری است که پایه‌های یک نظام کهن بشری را سست می‌کند. طبیعی است چنین تفکری برای نفوذ خود در سایر فرهنگ‌ها پیش از همه، نهاد خانواده را مورد هدف قرار دهد. شاید پیش خود فکر کنید فست‌فود خوردن چقدر کار ضد خانواده‌ای می‌تواند باشد؟ بد نیست به اطرافتان نگاهی بیندازید و ببینید چقدر سفره، به عنوان نقطه جمع شدن خانواده دور هم، حرمتش را از دست داده و خیلی از ما به خوردن غذا در تنهایی خودمان عادت کرده‌ایم.